

عمل اخلاقی

در این قسمت، اساسی ترین موضوعی که در بخش اخلاق هنجاری از مباحث فلسفه اخلاق، مطرح است، یعنی «معیار خوبی و بدی» اخلاقی مورد گفت و گو قرار می گیرد. بنیادی ترین پرسش هایی که در این گفتار عهده دار پاسخگویی به آنها است به قرار زیر است.

- الف- قلمرو و شرایط کلی عمل اخلاقی
 - ب- شرایط عمومی مسئولیت اخلاقی
 - ج- ابزارها و راه های شناسایی زشتی ها و زیبایی های اخلاقی
 - د- معیارهای حل تعارض ها و تزامم های اخلاقی
- بنابر این، مطالب این فصل در چهار محور ترتیب داده می شود

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

الف- عناصر ارزشمندی عمل اخلاقی

مراد از عمل اخلاقی در این مبحث «عمل خوب» است. در نظام اخلاقی اسلام که وجود پاداش و کیفر برای اخلاق ضروری پنداشته می شود. عمل خوب، عملی است که پاداش و ثوابی اخروی در پی دارد؛ اعم از این که پاداش دنیوی هم به دنبال داشته باشد یا خیر بنابر این هدف این مبحث، بیان شرایطی است که در آن یک عمل می تواند برای انجام دهنده پاداش و ثواب اخروی را به دنبال بیاورد در یک دسته بندی کلی، عناصر لازم برای یک عمل «خوب» و «ارزشمند اخلاقی» را می توان به دو دسته تقسیم کرد: عناصر فاعلی و عناصر فعلی یا عینی.

عناصر فاعلی

مقصود از «عناصر فاعلی» شرایطی است که به نوعی به فاعل بر می گردد. «آزادی و اختیار فاعل» و «وجود انگیزه و نیت خاصی» در او، از هنگام شروع تا پایان فعل.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

یک. آزادی و اختیار فاعل

انسان دو نوع فعل انجام می دهد: یک دسته افعال و کارهای طبیعی و اضطراری و گروه دیگر، افعال اختیاری و ارادی.

«افعال طبیعی و اضطراری» از طبیعت انسان صادر می شود؛ بدون این که علم و آگاهی در انجام آنها دخالتی داشته باشد. اما «افعال ارادی و اختیاری» انسان از روی علم و آگاهی از او صادر می شود؛ یعنی انسان ابتدا آن عمل را می شناسد و آن را از سایر رفتارها تمیز می دهد، سپس آن را مصداق کمال نفس می یابد، آنگاه مبادرت به انجام آن می نماید.

البته همان طور که در مباحث فلسفی و کلامی به اثبات رسیده است، تردیدی وجود ندارد که آدمی نسبت به کارهایی که از روی علم و اراده انجام می دهد، اختیار تکوینی دارد. ارادی، اختیار بشر مطلق نیست؛ زیرا اختیار او یکی از اجزای سلسله علل است.

اسباب و علل خارجی نیز در تحقق افعال اختیاری او دخالت دارند. آزادی اراده بشر حتی در حوزه افعال ارادی او نیز محدود و مشروط است؛ ولی ستایش و نکوهش اخلاقی نسبت به عمل او، محدود به قلمرو فعل اختیاری او است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

واژه جبر در موارد زیر به کار برده می شود و آزادی و اختیار در هر مورد، معنای مقابل آن را دارد.

جبر فلسفی: اعمال و رفتاری است که از انسان صادر می شود، ولی اختیار او هیچ مداخلیتی در پیدایش آنها ندارد. در مقابل این نوع جبر، آزادی و اختیار فلسفی وجود دارد.

جبر اخلاقی: اعمالی است که انسان به حکم اخلاق، ملزم به انجام یا ترک آنها است. این نوع جبر در مقابل اختیار و آزادی اخلاقی قرار دارد.

جبر حقوقی: قانون، انسان را ملزم می دارد که در زندگی اجتماعی خود اعمال مشخصی را انجام دهد و یا به حق مالکیت و حریم زندگی خصوصی دیگران احترام بگذاریم. در صورت تخلف از این امور با مجازات های قانونی رو به رو هستیم. اختیار و آزادی حقوقی در مقابل این مفهوم از جبر قرار می گیرد. باید ها و الزام هایی که در علم حقوق از آن گفتگو می شود، از این دسته اند.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

یک. آزادی و اختیار فاعل (ادامه)

جبر روان شناختی : گاهی آدمی تحت تاثیر وضعیت روانی و حالات درونی، ناگزیر است اعمالی را انجام دهد و یا فعلی را ترک نماید .

این نوع جبر ، نقطه مقابل آزادی و اختیار روان شناختی است . این تلقی از جبر و اختیار ، در روان شناسی متداول تر است .

جبر جامعه شناختی : در مواردی وضعیت جامعه و آداب و سنن و فرهنگ اجتماعی ایجاب می کند که فرد رفتار مشخصی را از خود بروز دهد و ناگزیر است که برخی اعمال را ترک نماید . آزادی و اختیار جامعه شناختی در برابر این نوع جبر معنا پیدا میکند. این مفهوم از جبر در علوم اجتماعی کاربرد وسیعی دارد.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

آنچه عملی را در قلمرو داوری علم اخلاق می گنجاند ، اختیاری و آزادانه بودن عمل در مفهوم فلسفی آن است . اختیار و آزادی فلسفی و تکوینی، مغایرتی با الزام ها و اجبارهای اعتباری از قبیل الزام و اجبار حقوقی و اخلاقی ندارد و وجود دستورهای اخلاقی یا حقوقی، آزادی و اختیار تکوینی بشر را نسبت به یک فعل خاص سلب نمی کند، همچنان که وجود اکراه و اجبار و اضطرار نیز منافاتی با آزادی و اختیار تکوینی فاعل ندارد.

بنابراین آنچه گاهی جبر روان شناختی و یا جامعه شناختی نامیده می شود، هرگز مغایرتی با آزادی تکوینی و فلسفی انسان ندارد. آری ، همه باید ها و نباید های اخلاقی یا حقوقی و عوامل روان شناختی و جامعه شناختی می توانند در پیدایش اراده و تصمیم فرد نسبت به انجام یا ترک عمل تاثیر بگذارند و در بسیاری از موارد نیز چنین است؛ ولی این دخالت ها از مجرای اراده تکوینی و آزاد انسان می گذرد و هیچ گاه آدمی را به واقع مجبور و مسلوب الاختیار نمی کند.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

دو. انگیزه و نیت فاعل

بر خلاف بسیاری از مکاتب اخلاقی، مکتب اخلاقی اسلام تاکید فراوانی بر انگیزه و نیت فاعل عمل اخلاقی دارد. اصولاً از نگاه فلسفی صدور یک فعل از فاعل آزاد و مختار و بدون وجود علل چهارگانه (فاعلی، مادی، صوری و غایی) امکان پذیر نیست. بنابراین اصل ضرورت وجود انگیزه در تحقق عمل اختیاری، امری غیر قابل انکار است. ولی سخن در این است که آیا وجود انگیزه ای خاص در فاعل هنگام انجام عمل، شرط لازم برای ارزشمندی اخلاقی عمل است؟ بسیاری از مکاتب اخلاقی به این پرسش پاسخ منفی داده اند. در مکتب اخلاقی اسلام وجود انگیزه و نیت در فاعل، شرط ضروری برای ارزشمندی اخلاقی است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

باید یادآور شد که برای تحقق نیت و انگیزه خاص، وجود دو رکن اساسی ضروری است:

اولاً: فاعل باید نسبت به انجام فعل قصد و توجه داشته باشد.

ثانیاً: هدف و انگیزه او از انجام فعل، فقط خوشایندی خداوند باشد که از آن به «اخلاص» تعبیر می شود. در نتیجه، شرط یا عنصر فاعلی عمل اخلاقی، در صورتی مخدوش می شود که فاعل یا کار را از روی غفلت و سهو انجام دهد، و یا این که انگیزه ای غیر از تحصیل خشنودی پروردگار داشته باشد.

البته فقدان رکن اول، همواره به معنای فقدان رکن دوم خواهد بود؛ ولی رکن دوم در گرو رکن اول نیست.

در فلسفه اخلاق اسلامی، عمل هنگامی ارزش اخلاقی دارد و سزاوار پاداش نیکو است که علاوه بر شرایط دیگر، انگیزه فاعل کسب رضایت خداوند باشد و انجام عمل را همچون ابزاری در جهت تقرب معنوی به کمالات الهی و صفات جمال و جلال او پندارد. پس هر گاه فاعل سودایی غیر از خشنودی پروردگار در سر داشته باشد، عمل او نصاب لازم برای ارزشمندی اخلاقی را دارا نیست. علاوه بر این، باید یگانه انگیزه او نیز باشد؛ یعنی نیت فاعل باید از هر انگیزه دیگری پیراسته و خالص باشد. گاهی از این شرط به ضرورت، «حسن فاعلی» یاد می شود؛ در مقابل «حسن فعلی» که در پی خواهد آمد.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

۱- بیان عقلانی نقش انگیزه:

از منظر فلسفه اخلاق اسلامی، عالی ترین مرتبه وجودی انسان مرتبه روحانی او است و در این مرتبه، کمال حقیقی انسان در تقرب معنوی هر چه بیشتر انسان به صفات کمالیه خداوندی است. به سخن دیگر عالی ترین مرتبه روحی آدمی آن است که روح - که گوهر او است - تجلی گاه اسما و صفات جمال و جلال الهی گردد. این امر از پیش فرض های کلامی علم اخلاق و هدف و رسالت آن است. این مهم در صورتی تامین می گردد که انسان در عمل اختیاری خود که تاثیر وجودی بر صعود و نزول روح دارد، انگیزه و نیت تقرب به خداوند را داشته باشد. این تاثیر و رابطه بین نیت و ارزشمندی اخلاقی یک رابطه تکوینی و حقیقی است؛ نه جعلی و قراردادی.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

۲- بیان و حیانی نقش انگیزه:

در متون مقدس اسلامی اعم از قرآن و سنت، تاکید آشکاری بر ضرورت وجود انگیزه الهی در عمل اخلاقی شده است. نمونه هایی از گویا ترین آنها به قرار زیر است:
(این غنائیم، نخست) اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیار شان و اموال شان رانده شدند.
خواستار فضل خدا و خشنودی «او» می باشند و خدا و پیامبرش را یاری میکنند. اینان همان مردم درست کردارند.
سوره حشر، آیه ۸

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

مراتب نیت :

گاهی حتی افرادی که وجود خداوند را باور دارند و به روز رستاخیز و بعثت پیامبران معتقدند ، در انجام اعمال خود در پی تحصیل ثواب و ورود به بهشت و برخورداری از نعمت های بی پایان آن و گریز از کیفر و مجازات دوزخ و جهنم اند، نه کسب رضایت خداوند. متون مقدس اسلامی - به ویژه قرآن - با وصف زیبایی ها و برخورداری های بهشت ، انسان ها را به رقابت برای رسیدن به آن نعمت ها دعوت می کند و با هشدارهایی که نسبت به شدت و قطعیت کیفر های اخروی می دهد، به نوعی بر عمل به انگیزه ترس از کیفر و امید به پاداش و ثواب صحنه می گذارد .

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

پرسش این است که آیا مقبولیت و پذیرش این قبیل اعمال اخلاقی با آنچه در شرایط ارزشمندی عمل اخلاقی بیان شد، مبنی بر آنکه فاعل باید در عمل خود تنها تحصیل رضایت خداوند را در نظر داشته باشد، سازگار است؟

در پاسخ به این پرسش، گفته شده است: رضایت خداوند مراتبی دارد و انسان ها به طرق گوناگون در پی تحصیل آن هستند. گاهی رضایت خداوند از این جهت که منشا پاداش و ثواب اخروی و یا منشا نجات از کیفر و مجازات در روز رستاخیز می گردد ، درکانون توجه و انگیزه آدمی در انجام عمل اخلاقی قرار می گیرد ، و گاهی جلب رضایت خداوند، تنها محرک و انگیزه است. یعنی محبوبیت عمل نزد خداوند منشا تمایل و محبت او به انجام عمل شده است و قهراً محبوبیت فاعل را نزد خداوند نیز در پی خواهد داشت ؛ البته انجام این نوع عمل اخلاقی فقط از جانب دوستان خاص خداوند میسر است. بنابراین در صورت نخست نیز انگیزه فاعل ، رضایت مندی خداوند است، از این جهت که موجب پاداش و مانع کیفر است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

نسبت انگیزه و ایمان:

گفته شد که در نظام اخلاقی اسلام، عمل اخلاقی؛ هنگامی ارزشمند است که فاعل در انجام آن سودای کسب رضایت معبود را در سر داشته باشد؛ اعم از این که تحصیل رضایت خداوند مطلوب بالذات او باشد، یا این که خشنودی پروردگار از این جهت که مقتضی ثواب و مانع عقاب است انگیزه او گردد. تحقق این امر به طور منطقی در صورتی ممکن است که فاعل، هستی خداوند و حقانیت معاد و روز پاداش و کیفر و بعثت انبیا و تعالیم آنها را باور داشته باشد؛ البته ایمان به خداوند، باور به معاد و نبوت را نیز در پی خواهد داشت. از همین روی در متون دینی ما تاکید فراوانی بر ایمان - به عنوان شرط ضروری برای ارزشمندی اخلاقی - شده است.

در باب حقیقت ایمان و تفاوت آن با علم از یک سو و با اسلام از سوی دیگر، گفته شده است که ایمان امری قلبی است و در عین حال اختیاری؛ در حالی که علم و عقیده ممکن است به صورت غیر اختیاری نیز برای انسان حاصل گردد. بنابر این ملازمه ای میان علم و ایمان به یک حقیقت وجود ندارد؛ یعنی ممکن است فرد به حقیقتی عالم باشد؛ ولی نسبت بدان کفر ورزد.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

قرآن کریم در باب امکان جدایی علم از ایمان به یک چیز می فرماید :
و با آنکه دل هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس ببین فرجام فساد گران چگونه بود.
سوره نمل، آیه ۱۴

البته نباید فراموش کرد که راه عمومی ایمان از مسیر علم می گذرد؛ ولی علم به تنهایی برای تحقق ایمان کافی نیست.

در باره تفاوت بین «ایمان» و «اسلام»، چون قرآن در آیه شریفه *إِن الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ..* (سوره احزاب، آیه ۳۵) و برخی آیات دیگر، اسلام را در مقابل «ایمان» قرار داده است، تفاوت آن دو این است که اسلام، به معنای تسلیم عملی در مقابل دین است و تسلیم عملی با اعضا و جوارح ظاهری بدن محقق میگردد؛ ولی ایمان امری قلبی، اعتقادی و باطنی است؛ به طوری که آثار آن در اعمال ظاهری و بدنی نیز ظاهر می گردد. بنابراین هر مومنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی مومن نیست؛ مانند منافق که به دستورات دین عمل می کند، ولی ایمان ندارد.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

نسبت ایمان به عمل:

در بسیاری از آیات قرآن، ایمان در کنار عمل صالح، ارزشمند و موجب سعادت شمرده شده است؛ از آن جمله است:

و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغ هایی که از زیر (درختان) آن، نهرها روان است درآوردیم، برای همیشه در آن جاودانند.
سوره نساء، آیه ۵۷ و ۱۲۲

در برخی دیگر از آیات، «ایمان» به تنهایی شرط سعادت‌مندی انسان و ورود او به بهشت دانسته شده است:

خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی وعده داده است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود، و (نیز) سراهایی پاکیزه در بهشت های جاودان (به آنان وعده داده است) و خشنودی خدا بزرگ تر است. این است همان کامیابی بزرگ
سوره توبه، آیه ۷۲

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

شرایط مسئولیت اخلاقی

در واقع «ارزشمندی» و «مسئولیت» دو رکن اساسی داوری در علم اخلاق اند و در فقدان یکی از آن دو، دیگر نمی توان از یک نظام اخلاقی سخن گفت. از این روی جای دارد که پایه ها و عناصر اصلی مسئولیت اخلاقی نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

۱- بلوغ

کودکان و افراد غیر بالغ از بار مسئولیت اخلاقی فارغ اند؛ اگر چه سرپرست آنان در قبال اعمال شان مسئولیت حقوقی دارد. از این رو در نظام اخلاقی اسلام، اعمال نیک اطفال دارای ارزش اخلاقی و ثواب و پاداش است، ولی رذیلت های اخلاقی آنان مورد مؤاخذه قرار نمی گیرد و کیفر و مجازاتی را برای آنان در آخرت در پی ندارد.

در متون مقدس اسلامی یکی از شرایط اساسی مسئولیت اخلاقی و کیفری، بلوغ دانسته شده است. به عنوان نمونه امام باقر (ع) در روایتی ضمن بیان مبدأ بلوغ می فرماید: «بعد از رسیدن فرد به سن بلوغ، حدود الهی به طور کامل به نفع و به ضرر او اجرا خواهد شد».

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

۲- عقل

علاوه بر بلوغ طبیعی، وجود قوه تعقل، شرط مسئولیت اخلاقی است. بنابراین، افرادی که از سلامت عقلانی برخوردار نیستند و دچار کاستی‌هایی در قوه عاقله‌اند، مسئولیت اخلاقی ندارند؛ اگر چه سرپرست آنان در مقابل خساراتی که در نتیجه اعمال آنان به دیگران وارد می‌شود، مسئولیت حقوقی دارد. یکی از دلایل ضرورت وجود عقل در فاعل، نقشی است که عقل در حصول علم و آگاهی در فاعل دارد. در پی خواهد آمد که یکی از شرایط مسئولیت اخلاقی، علم و آگاهی فاعل نسبت به خوبی و بدی فعل است. از آن جا که این شرط موقوف به قدرت عقلانی است، وجود قوه عقل و ادراک در فرد، مقدمه ضروری آگاهی است و به نوبه خود شرط مسئولیت اخلاقی محسوب می‌گردد.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

۳- علم یا امکان تحصیل آن

فرد هنگامی مسئولیت اخلاقی دارد که نسبت به زشتی و پلیدی و ممنوعیت آنچه باید ترک کند و نسبت به خوبی و شایستگی آنچه باید انجام دهد و همچنین چگونگی آن، علم و آگاهی داشته باشد و یا این که امکان دستیابی به آگاهی لازم را داشته باشد؛ یعنی در موقعیت و وضعیتی باشد که بتواند این علم را تحصیل کند. بنابراین بسیاری از مسلمانان و غیر مسلمانانی که علم به وظایف اخلاقی خود ندارند، ولی امکان تحصیل چنین علمی برای آنان وجود دارد، نسبت به این قبیل اعمال خود مسئولیت اخلاقی دارند و کیفر اخروی متوجه آنان نیز هست؛ اگر چه بالفعل علم نداشته باشند. در مقابل آن دسته از مسلمانان و غیر مسلمانان که امکان دستیابی به چنین علمی را ندارند، فاقد مسئولیت اخلاقی خواهند بود. افزون بر اخلاق، نظام‌های حقوقی موجود نیز آگاهی فرد و یا امکان آگاهی او را شرط مسئولیت کیفری می‌شمارند.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

۴- قدرت

بر اساس این شرط ، انسان نسبت به آنچه توانایی پایبندی به آن را ندارد - اعم از فعل یا ترک- مسئولیت اخلاقی ندارد و در روز رستاخیز مورد بازخواست و نکوهش قرار نمی گیرد. در حوزه علوم اسلامی این شرط تحت عنوان محال و قبیح بودن « تکلیف بما لایطاق » قضیه ای رایج و مورد اذعان همگان است.

فلاسفه و متکلمان مسلمان برای اثبات این شرط ، علاوه بر ادعای بدهت عقلی آن و این که تکلیف به امر غیر مقدور از مصادیق بارز ظلم و خلاف عدالت است، به حکمت الهی و هدف مند بودن افعال خداوند نیز استدلال کرده اند. به مقتضای حکیمانه بودن افعال تکوینی و تشریعی الهی، خداوند در تکالیفی که برای بندگان خود مقرر می دارد، در پی تحقق اهدافی است. طبیعی است که این اهداف در صورتی قابل دستیابی خواهد بود که انجام وظایف مقرر شده ، خارج از توان و طاقت افراد نباشد. بنابر این تعیین تکلیف نسبت به امور که برای فرد غیر مقدور است ، لغو و بیهوده و خلاف حکمت بوده و صدور آن از پروردگار حکیم، محال است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

خدا هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده، به زیان اوست. (سوره بقره ، آیه ۲۸۶)

و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم ، و نزد ما کتابی است که به حق سخن میگوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (سوره مومنون ، آیه ۶۲)

علاوه بر این که فرد باید قادر به انجام اصل فعل باشد ، همچنین در صورتی که ادای تکلیفی مستلزم ابزار و وسایل و مقدماتی باشد، مکلف باید از عهده تحصیل آن مقدمات هم برآید. در غیر این صورت در واقع نسبت به آن وظیفه و تکلیف، قدرت و توانایی ندارد.

همان طور که فقدان علم ، در صورتی رافع مسئولیت اخلاقی است که فرد در عدم آگاهی خود مرتکب کوتاهی و تقصیر نشده باشد ، در باب شرط توانایی و قدرت نیز باید گفت که ما در بسیاری از موارد مسئول تحصیل قدرت و توانمندی هستیم.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

۵- عدم اضطرار

اضطرار در بسیاری از موارد رافع مسئولیت اخلاقی است. «مضطر»، فردی را می گویند که در شرایط دشوار قرار گیرد؛ مانند آنکه شخص در بیابانی درمانده و گرسنه است و غیر از مردار غذایی برای خوردن نمی یابد.

۶- عدم اکراه

اکراه هنگامی محقق می شود که فرد از جانب شخص یا گروه جابر، مورد تهدید قرار می گیرد و بر خلاف رضایت باطنی خود وادار به ترک فعل و یا انجام فعلی می گردد که به لحاظ اخلاقی زشت و ناپسند است؛ مانند آنکه به او می گویند: اگر روزه اش را نخورد، جانش در خطر است و یا اگر نسبت به فلان مسئله راست بگوید، از کار اخراج خواهد شد.

حدیث مرسوم به «حدیث رفع»، یکی از اموری را که در آن برای انسان تکلیفی نیست، «ما استکر هوا علیه» دانسته است؛ یعنی آنچه بر انجام یا ترک آن وادار می شوند.

وجه تمایز اکراه از اضطرار در این است که در اضطرار تهدید کننده ای در کار نیست، بلکه مجموع شرایط طوری است که وضع نامطلوبی را بر فرد تحمیل کرده است و شخص برای «رفع» این شرایط نامطلوب ناگزیر است بر خلاف وظیفه اخلاقی خود عمل کند. در اکراه، فرد جهت «دفع» صدمه و ضرری که در نتیجه تهدید دیگری متوجه او شده است، وادار می شود برخلاف تکلیف اخلاقی خود رفتار نماید.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

حوزه تاثیر «اکراه» و «اضطرار» وابسته به دو عامل اساسی زیر است:
 یک: درجه صدمه و ضرری که می بایست «دفع» یا «رفع» گردد.
 دو: اهمیت وظیفه و تکلیفی که انسان می خواهد به دلیل «اکراه» و یا «اضطرار» از انجام آن خودداری کند.
 در نظام اخلاقی اسلام، پاره ای وظایف اخلاقی را هرگز نمی توان به دلیل «اکراه» یا «اضطرار» ترک کرد و تحت هر شرایطی باید به آنها پایبند بود و زیان ناشی از آنها را تحمل کرد؛ مثلاً هیچ گاه نمی توان به دلیل اکراه یا اضطرار، جان دیگران را در معرض خطر قرار داد و یا به زیان مصالح اجتماعی عمل کرد و یا مصالح عمده دینی را زیر پا نهاد.

۷- قصد و تعمد

شرط دیگر مسئولیت اخلاقی آن است که فرد از روی تعمد و اراده، وظیفه اخلاقی خویش را نادیده انگارد.
 بنابر این هر گاه شخص در نتیجه خطا و سهو مرتکب ترک وظیفه اخلاقی گردد، هیچ گونه مسئولیت اخلاقی متوجه او نخواهد بود.

شناسایی عمل اخلاقی

یکی از اساسی ترین ویژگی های یک نظام اخلاقی کارآمد آن است که علاوه بر معرفی ملاک و معیار منطقی جهت ارزیابی زشتی و زیبایی اخلاقی، بتواند راه های شناسایی مصادیق آنها را نیز آشکارا نشان دهد. یکی از محوری ترین نارسایی های نظام اخلاقی بشری، ناکامی آنها در ارائه راهکارها و رهیافت های کارآمد برای شناسایی مصادیق فضیلت و رذیلت اخلاقی است؛ حتی اگر بپذیریم معیارها و ملاک های کلی ارائه شده از جانب آنها در باب نیکی ها و پلیدی های اخلاقی، صواب باشد. در نظام اخلاقی اسلام سه رهیافت اساسی باماهیتی خاص، برای رسیدن به مصادیق فضیلت و رذیلت اخلاقی مورد تاکید قرار گرفته است:

۱- عقل

۲- فطرت

۳- وحی

عقل

با قبول حسن و قبح ذاتی اعمال و اشیا و با اذعان به توانمندی عقل بشر برای راهیابی و درک این بدی و نیکی، عقل بشری به عنوان داوری مستقل در نظام اخلاقی اسلام به رسمیت شناخته شده است. طریق عقلانی، راهکاری است مستقل از وحی که خود قادر به شناسایی بسیاری از فضیلتها و رذیلت های اخلاقی است. عقل بشری قاطعانه در می یابد که نیکی های دیگران را باید پاس داشت؛ با آنان چنان رفتار نمود که شایسته آنان است. باید به مالکیت دیگران بر اموالشان احترام نهاد؛ بهره مندی خود را وسیله ای برای اضطراب به دیگران قرار نداد؛ تجاوز به دیگران را باید به نحو عادلانه جبران کرد؛ حریم خصوصی افراد را محترم شمرد و ده ها و صدها قضیه از این دست که هر یک اصلی از اصول فضیلت های اخلاقی است. بخشی از مشترکات اخلاقی موجود در بین مکاتب اخلاقی الهی و بشری، معلول دریافت های عقل بشر از زشتی و زیبایی اخلاقی است. البته به دلیل ناتوانی عقل در فهم بسیاری از جزئیات اخلاقی، هرگز به تنهایی از عهده مهندسی ساختار یک ساختمان اخلاقی جامع و کامل بر نمی آید.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

فطرت (دل)

وجود گرایش های فطری به سوی نیکی های اخلاقی و نفرت های درونی نسبت به پلیدی ها در سرشت و خمیر مایه جان آدمی، رهیافت قابل اعتماد و مطمئنی است که منشأ آن گوهر پاک و بی آلایش انسانیت و قلب سلیم است. تمایلات فطری انسان با داشتن مشخصه هایی از قبیل مثبت و معنوی بودن، ارادی و آگاهانه تر بودن، و اختصاص آنها به حوزه حیات انسانی، به سادگی از امیال غریزی و طبیعی موجود در درون آدمی قابل تشخیص اند. بسیاری از افرادی که از دانش و فرهنگ رسمی و تمدن و تعلیم و تربیت بیگانه اند، اما به برکت نظاره در این جام جهان بین و آیینه حق نما از سرچشمه زلال معرفت و آثار پابیندی به گوهر مکارم اخلاقی، سیراب و به زیور فضائل اخلاقی آراسته اند.

قرآن کریم سرچشمه معرفت و راه های شکوفایی و موانع کارآمدی آن را بارها خاطر نشان کرده است. در سوره شمس پس از قسم های مکرر که آخرین آنها سوگند به نفس و جان آدمی است، می فرماید:

« سپس پلید کاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد ».

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

مراد از الهام همان علم است که به صورت تصور و تصدیق در جان آدمی نهاده شده است. الهام فجور و تقوا از جانب خداوند بدین معنا است که بدی و نیکی رفتار انسان را به طور فطری به او آموخته است؛ مثلاً انسان به طور آشکار قادر است پلیدی خوردن مال یتیم را از مصرف اموال خویش، تمیز دهد.

و در سوره روم می فرماید:

پس روی خویش را به سوی دین یکتا پرستی فرا دار، در حالی که از همه کیش ها روی برتافته ای و حق گرا هستی، به همان فطرتیکه خدا مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدای (فطرت توحیدی) را دگرگونی نیست. این است دین راست و استوار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

در این آیه دین که مجموعه ای از باورها و تعالیم اخلاقی، حقوقی و ... است، امری فطری انگاشته شده است که شناسایی و گرایش به آن در سرشت آدمی نهادینه گشته است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

وحي

دو راه کار پیش گفته اگر چه در بسیاری موارد راهگشای اند ، لکن کارآمدی آنها منحصر به امور کلی و اصولی است و در مقام تعیین و تفصیل جزئیات ، سخت آسیب پذیر ، ناکارآمد و اختلاف برانگیزند.

بر همین اساس در نظام های اخلاقی مبتنی بر خدا محوری ، «وحي» و رهیافت سومی است که دو طرق پیشین را تکمیل می کند. وحي به دلیل توانمندی در تعیین و تفسیر مفاهیم اخلاقی و پرداختن به جزئیات آنها نقش اول را در باب شناسایی عمل اخلاقی دارد ؛ اگر چه هیچ گاه آن دو را نیز نادیده نمی انگارد ، بلکه همواره به شکوفایی و کارآمد کردن آن دو اصرار می ورزد.

در نظام اخلاقی اسلام ، فضیلت های اخلاقی تحت عناوینی مانند حسنه ، حلال و آنچه موجب اجر و ثواب و ورود انسان به بهشت می گردد ، و رذیلت های اخلاقی تحت عناوینی مانند ذنب ، حرام ، و آنچه سبب خسران آدمی و ورود او به جهنم می شود ، معرف شده است . همچنین جایگاه و اهمیت هر یک از مفاهیم مثبت و منفی اخلاقی با توجه به شاخصه های دخیل در این باب از قبیل سهل و دشواری ، پنهان و آشکار بودن ، چگونگی انگیزه و نیت فاعل و آثار کمی و کیفی که به دنبال خواهد داشت ، مورد دقت و ارزیابی قرار گرفته است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد